

پیوست ۲

چالش‌های برنامه جامع تاب‌آوری شهری و درس آموخته‌ها از معرفی برنامه جامع به سه شهر منتخب

دستیابی به حکمرانی جامع در تئوری تاب‌آوری و مدیریت سوانح طبیعی، موضوعی پیچیده بوده که ممکن است با موانع متعددی مواجه شود. برخی از چالش‌های رایج که ناشی از تجارب قبلی و نیز برگرفته از معرفی برنامه جامع تاب‌آوری شهری به سه شهر منتخب بوده و مه‌رتاب لازم است با آمادگی و بینش کافی آنها را مد نظر قرار دهد و راه‌حلهایی برای عبور از این موانع بیابد، عبارتند از:

- **پراکندگی سیاست‌ها و مسئولیت‌ها:** تقسیم سیاست‌ها و مسئولیت‌ها در سازمان‌ها و سطوح مختلف دولتی، می‌تواند مانع از مدیریت منسجم شود. فقدان هماهنگی و همکاری بین این نهادها ممکن است منجر به تلاش‌های از هم گسیخته و پاسخ‌های کمتر مؤثر به سوانح طبیعی شود.
- **مشارکت محدود جامعه:** مشارکت ناکافی جوامع محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، می‌تواند منجر به ساختارهای حاکمیتی شود و نیازها و اولویت‌های محلی را که مستقیماً تحت تأثیر سوانح طبیعی قرار می‌گیرند، منعکس نکند. این عدم مشارکت، ممکن است منجر به مقاومت در برابر سیاست‌ها و کاهش تاب‌آوری جامعه شود.
- **تمرکز کوتاه‌مدت:** ساختارهای حاکمیتی، ممکن است اهداف کوتاه‌مدت را بر تلاش‌های بلندمدت برای ایجاد تاب‌آوری اولویت‌بندی کنند. این تمرکز بر مسائل فوری، می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های لازم در اقدامات پیشگیرانه و ظرفیت‌سازی جامعه برای تاب‌آوری پایدار را نادیده بگیرد.
- **بودجه و منابع ناکافی:** محدودیت منابع مالی و زیرساخت‌های ناکافی، می‌تواند اجرای حکمرانی جامع را تضعیف کند. کمبود بودجه، ممکن است توسعه و نگهداری سیستم‌های ضروری برای آمادگی، واکنش و بازیابی در سوانح طبیعی را محدود کند. بسیاری از شهرها معمولاً از نظر منابع مالی، زیرساخت‌های فناورانه و نیروی کار ماهر، با محدودیت‌هایی مواجه هستند. این محدودیت، می‌تواند مانع توسعه و اجرای ساختارهای حاکمیتی مؤثر برای تاب‌آوری شهری شود.

- **ظرفیت ضعیف نهادی:** موسسات مسئول مدیریت شهری و سوانح طبیعی، ممکن است فاقد ظرفیت، تخصص و منابع مورد نیاز برای برنامه‌ریزی و واکنش جامع باشند. ضعف‌های نهادی، می‌تواند منجر به ناکارآمدی و شکاف در حکمرانی شود.
- **نابرابری و آسیب‌پذیری:** نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و سطوح بالای آسیب‌پذیری در میان گروه‌های خاص جمعیتی، می‌تواند چالش‌هایی را برای حکمرانی فراگیر ایجاد کند. اقشار و طبقات آسیب‌پذیر ممکن است در دسترسی به اطلاعات، منابع و نمایندگی در فرآیندهای تصمیم‌گیری با مشکل مواجه باشند.
- **دوره گردش پست‌های مدیریتی:** تغییرات مکرر در ساختارهای حاکمیت سیاسی، می‌تواند تداوم و ثبات در سیاست‌های مدیریت سوانح طبیعی را مختل کند. این کم‌ثباتی، ممکن است مانع برنامه‌ریزی و اجرای بلندمدت مورد نیاز برای تاب‌آوری موثر شود.
- **تأثیر تغییر اقلیمی و آب و هوا:** به‌طور کلی، این کشور به‌طور نامتناسبی تحت‌تأثیر تأثیرات تغییرات آب و هوایی قرار دارد که منجر به افزایش فراوانی و شدت سوانح طبیعی می‌شود. مقابله با این تغییرات، نیازمند ساختارهای حاکمیتی تطبیقی بوده که ممکن است ایجاد و حفظ آنها چالش‌برانگیز باشد.
- **سکونتگاه‌های غیررسمی:** شهرنشینی سریع و وجود سکونتگاه‌های غیررسمی در بسیاری از شهرها، چالش‌های منحصربه‌فردی را برای حکمرانی ایجاد می‌کند. این سکونتگاه‌ها، اغلب فاقد زیرساخت‌های مناسب بوده و در برابر سوانح طبیعی بسیار آسیب‌پذیر هستند.
- **آموزش و آگاهی:** سطوح پایین آموزش و آگاهی در مورد اقدامات کاهش خطر سوانح طبیعی و تاب‌آوری، ممکن است مانع مشارکت جامعه در طرح‌های حاکمیتی شود. آگاهی عمومی و آموزش در ایجاد فرهنگ تاب‌آوری بسیار مهم است.
- **ارتباط ناکافی با مردم در خصوص ریسک:** اطلاع‌رسانی ناکارآمد خطرات و آسیب‌پذیری‌ها به مردم، ممکن است منجر به عدم آگاهی و درک شود. ارتباط شفاف و به‌موقع، برای ارتقای مشارکت جامعه و تسهیل تصمیم‌گیری آگاهانه ضروری است. علاوه بر این، دسترسی محدود به اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی می‌تواند مانع از انتشار به‌موقع اطلاعات در هنگام سوانح طبیعی شود. این موضوع، می‌تواند سیستم‌های هشدار اولیه و توانایی هماهنگ کردن پاسخ‌های موثر را تحت‌تأثیر قرار دهد.

- **کیفیت داده‌ها و قابلیت دسترسی:** داده‌های نادرست یا غیرقابل دسترس، می‌تواند اثربخشی ساختارهای حاکمیتی را به خطر بیندازد. اطلاعات قابل اعتماد برای ارزیابی ریسک، تصمیم‌گیری و توسعه سیاست‌های مبتنی بر شواهد ضروری است.
 - **تاکید بیش از حد بر راه‌حل‌های سخت‌افزاری:** در حالی که ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها بسیار مهم هستند، تأکید بیش از حد بر راه‌حل‌های مرتبط بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، می‌تواند منجر به غفلت از رویکردهای جامعه‌محور و زمینه‌ای شود.
 - **ارزشیابی و یادگیری ناکافی:** عدم انجام ارزیابی منظم ساختارهای حاکمیتی و عبرت گرفتن از تجربیات گذشته، می‌تواند مانع از بهبود مستمر شود. فقدان یادگیری تطبیقی، ممکن است منجر به تکرار اشتباهات و از دست رفتن فرصت‌های پیشرفت شود.
- پرداختن به این مشکلات نیازمند تلاشی هماهنگ از سوی سیاست‌گذاران، جوامع، محققان و دست‌اندرکاران است. یک رویکرد جامع و مشارکتی که دیدگاه‌های متنوعی را در نظر می‌گیرد، سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌سازی جامعه را مهم می‌داند و حکمرانی با تطبیق با شرایط محلی را ترویج می‌کند، برای دستیابی به حکمرانی جامع تاب‌آوری لازم است. این مهم باید توسط مهرتاب در اجرای برنامه جامع مد نظر قرار گیرد.